

میدون و سوفیا

نامه به سعید مرتضوی

پوریا عالمی

● -سلام آقای مرتضوی
الان که این نامه را می خوانی دو سال گذشته است. البته به روزنامه‌نگاران توی زندان روزنامه نمی‌دادند. اوج اوج... منظورم انفرادی بود. حتما شما انفرادی نیستی. واقعا هم حیف هستی. ولی حالا که تو هستی، یک سر به انفرادی بزنی. خیلی جالب است. وقتی بروی توی انفرادی حتما احساس غریبی نمی‌کنی... چون خیلی‌ها آنجا یاد تو را زنده نگه داشته‌اند.

سعیدجان، امیدوارم سریال فرار از زندان را ندیده باشی، چون آدم فیلم خارجی که نگاه می‌کند متوهم می‌شود که زندان مثل فیلم‌هاست، اما نیست سعید. حتی دادگاه هم با دادگاه توی فیلم‌ها فرق می‌کند. ناسلامتی خودت قاضی بودی و توی فیلم‌ها دیدی وکیل چقدر مهم است.

توی زندان حتما وقتی وارد شدی، همه تو را به نام می شناخته‌اند. خیلی جالب است. نام‌آوربودن صفت مهمی است.

کاش آرشیبو روزنامه‌هایی را که بستی توی زندان می خواندی. خوانندن خیلی مهم است و سبب می‌شود آدم زندان نیفتد.

بعد هم آرزو می‌کنم در این دو سال به سال‌هایی فکر کنی که روزنامه‌نگاران به سقف زندان نگاه کردند یا رفتند غربت و به سقف آسمان چشم دوختند. می‌دانی خیلی عجیب است در اتاقی باشی که درش از بیرون باز می‌شود و پنجره ندارد، اما کاریش نمی‌شود کرد. امیدوارم نامه بنویسی و اگر لازم شد تلویزیون نشانت بدهد، چون حتما در تخفیف ایام مجازات و آزادی‌ات مؤثر است. ایشالا از حقوق شهروندی و حقوق زندانی بهره‌کامل را ببری در زندگی و زود آزاد شوی.

به قاضی حیدری، رحیمی و باقی بچه‌ها سلام برسان.

پیشنهاد

رنه ماگريت و دیالکتیک هگل

● صالح نجفی از روز دوشنبه، ۳ اردیبهشت، ساعت ۱۷:۳۰ دوره جدید درسگفتارهای خود در مؤسسه پرسش را با عنوان «ستایش دیالکتیک در تعطیلات هگل: دنیای رنه ماگريت» آغاز می‌کند.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۳ اردیبهشت ۱۳۹۷ • ۶ شعبان ۱۴۳۹ • ۲۳ آوریل ۲۰۱۸ • سال پانزدهم • شماره ۳۱۲۰ • ۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۳ • اذان مغرب ۲۰:۰۳ • اذان صبح فردا ۴:۵۰ • طلوع آفتاب ۶:۲۱

روزنامه‌فرو

فardashargh@gmail.com

کارتون خواب

سهیل محمدی

ایران پنجمین مصرف کننده پلاستیک در دنیا



اینترنت پتیاک



بدون توقف!

پهنای باند اختصاصی ویژه سازمان ها و ادارات با تجهیزات رایگان و تعرفه عالی

www.petiak.com

دارای پروانه سراسری ارائه خدمات ارتباطی ثابت از سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی به شماره ۹۵ - ۱۱۰

شانس بزرگی که من دارم این است که فرانسوی هستم و روابط بین ایران و فرانسه از قدیم، چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب، حتی در دوران انقلاب که این روابط مقداری دشوار و پیچیده شد، همیشه برقرار بود و فرانسوی‌ها شناخت بیشتری از ایرانی‌ها دارند تا بقیه اروپایی‌ها. با اینکه من در سفرهایم به جشنواره‌ها و ازجمله به آمریکا متوجه شدم که آنها چیز زیادی درباره ایران نمی‌دانند و ایده‌ای در مورد کشور شما ندارند، فرانسوی‌ها این‌طور نیستند و من به‌علت فرانسوی‌بودن شانس این را داشته‌ام که شناختی قبلی نسبت به ایران داشته باشم. با وجود این شناخت قبلی و دوستان ایرانی بسیاری که در فرانسه داشته‌ام، از لحظه‌ای که (برای شرکت در سی‌وششمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم فجر) پا به ایران گذاشتم‌ام، متوجه شده‌ام که همه چیز بالاتر از سطح توقع من است و از این لحاظ خیلی شگفت‌زده‌ام.

سلام به فردا

شگفتی‌های تهران برای اکشن‌ساز فرانسوی

البویه مگاتن*

تهران رفتم، متوجه شدم که ساختمان‌ها و نماهایی وجود دارد که به دوران‌های قدیم برمی‌گردد و اینکه می‌دیدم این شهر توانسته است هویت و سنت و شناسنامه خود را حفظ کند، برای من خیلی جالب بود.

البته تا آنجا که من می‌دانم، فیلم‌هایی که در ایران ساخته شده‌اند و می‌شوند، عموماً فیلم‌هایی هنری و شخصیت‌محور هستند اما فیلم‌هایی که من می‌سازم در این ژانر (اکشن) اغلب دارای پرسوناژهای بیشتری هستند و سناریوهایی که من روی آنها کار می‌کنم، خیلی شخصیت‌محور نیستند و انگیزه من بیشتر این است که جنبه‌های دیگری از سینما را به مردم ایران نشان دهم.

❖ کارگردان فرانسوی، سازنده «آدمکش»، «ربوده‌شده ۲»، «ربوده‌شده ۳»، «ترنسپورتر ۳» و «کلمبیا»



آکادمی

بیمارستان عام، بیمارستان خاص

بابک زمانی

رئیس انجمن سکنه مغزی



سال‌ها پیش و قبل از ملی‌شدن صنعت نفت، کمپانی انگلیسی نفت برای درمان کارکنان خود یک بیمارستان در آبادان تأسیس کرد. این بیمارستان یکی از اولین بیمارستان‌های مدرن و کاملاً روزآمد کشور بود که مستقیماً از لندن اداره می‌شد. بسیاری از کارکنان قدیمی آنجا هنوز به یاد می‌آورند که آموزش پزشکیان و پرستاران هم مستقیماً در لندن انجام می‌شد. این بیمارستان یکی از اولین مراکز آموزش تخصصی پزشکی هم بود که تا همین سه دهه پیش تربیت متخصص در آنجا ادامه داشت. بیمارستان نفت آبادان در بطن خود دارای تناقض بود؛ اولاً وجود یک بیمارستان پیشرفته در کشور حداقل به‌عنوان مدل، به خودی خود امری مفید به‌شمار می‌رفت، اما یکی از برجسته‌ترین مظاهر بی‌عدالتی توسط شرکت نفت انگلیس بود که حساسیت زیادی برمی‌انگیخت. نه‌تنها توده مردم به این بیمارستان دسترسی نداشتند بلکه کارکنان شرکت نفت هم بسته به رده کاری خود خدمات مختلفی دریافت می‌کردند.

پیش از انقلاب سوای نظام خصوصی‌ای که در سطح مناسبی بود و بیمارستان‌های آموزشی که به قیمت آموزش هزینه درمان مناسب در آنها توسط دولت پرداخت می‌شد، بیمارستان‌های دولتی غیرآموزشی به‌اصطلاح «بهداری‌چی» کیفیت مناسبی نداشتند و کار در آنها هم هم‌تراز با کار در دو بخش دیگر محسوب نمی‌شد. بنابراین مؤسسات و وزارتخانه‌های مختلف هرکدام برای حفظ کیفیت درمان کارمندان خود اقدام به تأسیس بیمارستان‌هایی کردند که هنوز هم با نام آن مؤسسه یا وزارتخانه مشغول به کار هستند.

بعد از انقلاب با هدف بهبود کیفیت درمان در بیمارستان‌های بهداری و نیل به سوی نوعی طب ملی بیمارستان‌های آموزشی با بیمارستان‌های بهداری تلفیق شدند، اما بیمارستان‌های خاص مؤسسات و وزارتخانه‌ها از شمول این تلفیق خارج شدند و با همان نام به فعالیت ادامه دادند. در ابتدا انتظار این بود که در جهت نیل به طب ملی رفته‌رفته بیمارستان‌های خصوصی و این بیمارستان‌های خاص هم به شبکه آموزش پزشکی کشور و تحت‌نظر وزارت بهداشت پیبوندند که به دلایل مختلف این اتفاق نیفتاد. در این یادداشت مقصود من، تأکید بر ماهیت ذاتاً غیرعادلانه و غیرمنطقی وجود بیمارستان‌های خاص در نظام سلامت کشور و مروری بر دلایل تمدید و حتی گسترش این پدیده است.

آشکار است که تأسیس یک بیمارستان برای کارکنان یک مؤسسه اگرچه قاعدتاً به معنی توجه به بخشی از مردم به شمار می‌رود، درعین‌حال بی‌توجهی به بخش‌های دیگری از مردم هم محسوب می‌شود. به‌خصوص که قاعده کشور وجود یک بیمارستان برای هر وزارت و مؤسسه نیست. وزارت بهداشت به‌خصوص در وضعیتی که هزینه‌های درمان نه به شکل واقعی و حساب‌شده بلکه از بالا و توسط مؤسسات مختلف بسته به توانایی مالی ایشان تعیین می‌شود، نباید به وجود چنین بیمارستان‌هایی بی‌تفاوت و بی‌نظر باشد. این بی‌تفاوتی و حتی گاه شادمانی از پرداخت برخی هزینه‌ها توسط برخی مؤسسات باعث گسترش این پدیده به شکل بیمه‌های خصوصی هم شده است. بیمه‌هایی که تنها متعلق به برخی مؤسسات هستند و امکانات مالی بیشتری در اختیار دارند.

وجود بیمارستان‌ها، درمانگاه و بیمه‌هایی که صرفاً به گروهی از مردم به واسطه نوع کارشان سرویس می‌دهند، به خودی خود حاوی هسته‌هایی از بی‌عدالتی موجود در خدمات بیمارستان نفت آبادان هستند که پیش‌تر اشاره کردم. به‌علاوه حاکی از نوعی نگاه بدوی‌تری هستند که خود، اطراف خود و همگان خود را بر دیگری ترجیح می‌دهد.

در بسیاری از کشورهای پیشرفته بیمه سراسری شامل تمام مردم و شامل شغلان تمام مؤسسات می‌شود. در برخی دیگر یک بیمه عام و یک یا چند بیمه خاص وجود دارد که آن بیمه خاص تنها و تنها قابل خریداری است و هرکس می‌تواند آن را بخرد. مؤسسات مختلفی هم که از قبل در ساخت بیمارستان سرمایه‌گذاری کرده‌اند، درمان در آن مؤسسات را بر اساس تعرفه‌های واقعی و برای تمام مردم و نه‌تنها برای کارمندان خود انجام می‌دهند. سه مؤلفه واقعی‌بودن تعرفه‌ها، رقابت با سایر مراکز درمانی و شمول نظارت دولت و بیمه‌ها بر همه بیمارستان‌ها، باعث طراوت و حفظ کیفیت تمام مؤسسات خواهد بود. واقعیت آن است که به‌دلیل نبود سه عامل برشمرده در مراکز درمانی خاص، ما شاهد افول کیفیت در این بیمارستان‌ها حتی بیش از بیمارستان‌های آموزشی و میل به سوی بهداری‌چی قدیم هم بوده‌ایم.

مسئولان وزارتخانه‌ها و مؤسسات مختلف وقتی اشکالات موجود در نظام سلامت سراسری را می‌بینند، تصور می‌کنند با تأسیس بیمارستان خاص، اشراف بر پزشکان و صرف منابع مالی تنها برای کارکنانشان حداقل مشکل ایشان را برطرف کنند. اما واقعیت آن است که اشکالات بسیار شدید و غیرقابل‌انکار در نظام سلامت سراسری با این تمهیدات قابل رفع‌کردن نیست. با انحصار مراجعان و اختصاص امکانات مالی بیشتر و بدون توجه به سه عامل پیش‌گفته نمی‌توان این معضلات را چاره کرد و ای‌بسا راه شکست معضلات و بن‌بست‌ها هم مسدود شود.

نگاه سبز

سکوت در برابر صیدهای دریای عمان

محمد درویش

فعال محیط زیست



چرا اغلب مردم جهان برخلاف رؤسای کارتل‌های نفتی، دولت نیوزیلند را تحسین می‌کنند؟!

موضوع بر سر بستر دریا در ساحل نیوزیلند است: چهار میلیون کیلومتر مربع - پهنه‌ای به وسعت بیش از دو برابر ایران - با همه منابع نفت و گازی که در زیر آن می‌تواند وجود داشته باشد و ارزش آن به میلیارد‌ها دلار بالغ می‌شود. اما اکنون دولت نیوزیلند تصمیم گرفته که در این مکان دیگر اجازه جست‌وجو برای یافتن منابع سوخت فسیلی را ندهد، چه رسد به استخراج آنها. صنعت نفت از اعلام این خبر از خود بیخود شده و از «وندالیسم اقتصادی» می‌گوید، کنشگران محیط‌زیستی اما از سراسر دنیا ابراز شادی می‌کنند: دورشدن از نفت؛ چه گام چشمگیری! و چه کشور کوچک پرشهامتی است این نیوزیلند!

در سال ۱۹۸۷ نیوزیلند شجاعت خود را با ترک برنامه سلاح‌های هسته‌ای - برخلاف مصلحت و توصیه صریح ارتش آمریکا - به نمایش گذاشت و اکنون بار دیگر دولت این کشور شهامت خود را نشان می‌دهد. به گفته راسل نورمن از سازمان صلح سبز نیوزیلند: منافع انسانی برای دولت و مردم ما بیشتر اهمیت دارد تا منافع لابی پرقدرت نفت! گفتنی آنکه به فرمان دولت نیوزیلند جست‌وجو و استخراج نفت و گاز در آینده در منطقه به‌اصطلاح «اقتصادی نیوزیلند»، منطقه‌ای دریایی به وسعت ۲۰۰ مایل اطراف این جزیره ممنوع است. این محدوده زیستگاه بسیاری از گونه‌های ماهی و نهنگ‌هاست. البته جست‌وجو در پی منابع نفتی در خشکی همچنان مجاز است، همچنین مجوزهایی نیز که تاکنون صادر شده‌اند، باطل نخواهند شد.

حتما می‌دانید که رئیس سازمان حفاظت محیط زیست ایران تاکنون بارها و آشکار اعلام کرده که «مملکت نباید معطل محیط زیست بماند». سازمان شیلات ایران هم متأسفانه در مواجهه با شیوه غیرقانونی و خطرناک صید ترال در آب‌های سرزمینی ایران در خلیج فارس و دریای عمان سکوت کرده و به‌این‌ترتیب، تنوع زیستی ارزشمند این پهنه آبی برای تأمین سودی کوتاه‌مدت در معرض نابودی است. خواستم با شرح کنش تحسین‌برانگیز دولت نیوزیلند، یادآوری کنم که خردمندی بزرگ‌تر از آن است که در پای منفعتی پایدار و درازمدت، از مصلحت‌های زودگذر و ناپایدار گذشت و نه برعکس! این هم به‌نفع مردم است، هم دولت و هم نظام.

دور دنیا

میسوری و عروس‌های ۱۵ساله آمریکایی

زمانی که صحبت از ازدواج کودکان به میان می‌آید، ذهن شنوندگان خودبه‌خود به سمت کشورهای جهان‌سوم و مکان‌هایی مانند شمال آفریقا می‌رود یا کشورهایی مانند ترکیه که بر اساس آمارهای ارائه‌شده در سال ۲۰۱۵ و به گفته پژوهشگران آن کشور، تقریباً در یک‌سوم از همه ازدواج‌ها، عروس‌ها زیر ۱۶ سال داشته‌اند، اما نکته‌ای که کمتر مورد توجه قرار گرفته، این است که ازدواج کودکان در ایالات متحده آمریکا نیز وجود دارد و در یک ایالت بسیار رایج‌تر از آن است که بسیاری ممکن است تصور کنند. ایالت میسوری از اواسط قرن، اساساً به مکان اقامت عروس‌های ۱۵ساله‌ای بدل شده است که در بسیاری از موارد، با فردی که به آنها تجاوز کرده است، ازدواج می‌کنند. یکی از این عروس‌ها که اшли دانکن نام دارد، ۱۵ساله بود که برای ازدواج با پسر ۱۸ ساله به کلیسا رفت. به گزارش کانزاس‌سیتی استار، خانم دانکن نمی‌خواست ازدواج کند، اما خانواده‌اش به او گفتند که اگر تن به ازدواج ندهد، آن پسر به اتهام تجاوز تحت پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت. اшли دانکن در زمان ازدواج در کلاس نهم بود و درحال حاضر ۲۴ ساله و مادر چهار فرزند است. وی در مصاحبه با این روزنامه محلی گفته: هنگامی که کنشش از او پرسیده آیا حاضر است این مرد را که در کنار او ایستاده، به‌عنوان شوهر قانونی خود بپذیرد، پاسخ داده است: «به‌نظم این‌طوری است». پس از آنکه خواهرش او را توبیخ کرد و از او خواست که پاسخ مرسوم را بدهد، او نیز گفت: «بله، می‌پذیرم». در میسوری، فقط امضای یکی از والدین برای ازدواج دختران ۱۵ساله کافی است و هیچ نظارت قضائی در این مورد وجود ندارد. خانم دانکن با اشاره به سرگذشت خود می‌گوید معتقد است که سن قانونی ازدواج باید به ۱۸سالگی افزایش یابد و برای کسانی که قصد اخذ مجوز ازدواج را دارند، حضور قاضی لازم است. وی یادآوری کرده است که اگر فرصتی برای گفت‌وگو با یک قاضی داشت، متوجه می‌شد که طبق قانون میسوری محکومیت تجاوز برای افراد ۲۱ سال قابل اعمال است و اگر این را می‌دانست، با مردی که پس از چند سال درگیری و اعمال خشونت خانگی از او جدا شده است، ازدواج نمی‌کرد و همچنین امکان ادامه تحصیل را از دست نمی‌داد. اшли دانکن در این مصاحبه گفته است: «فقط می‌خواستند من ازدواج کنم. می‌دانستم که نباید با آن سن کم این تصمیم را بگیرم. طبق گزارش روزنامه کانزاس‌سیتی استار، از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۵ بیش از هزار دختر ۱۵ساله ازدواج کرده‌اند. از این تعداد، بیش از ۳۰۰ نفر با مردانی در سن بالاتر از ۲۱ سال ازدواج کرده‌اند. پلیس میسوری اعلام کرده که بسیاری از این ازدواج‌ها بدون اطلاع‌آدن به مقامات قانونی اتفاق می‌افتد، اما باین‌حال قانونی‌اند.